

غار علیصدر چگونه کشف شد

اگر روزگاری گذر شما به غار علیصدر معروف همدان افتاد و در انبوه تالارها و دالان‌های آن در زیر نور چراغ‌ها به گشت و گذار مشغول شدید، بدانید روزگاری مردانی تنها با اندک وسایل و با اطلاعات کم به دل تاریکی زدند تا این غار را کشف کنند. یکی از این مردان فریدون اسماعیل‌زاده است که به تنهایی و به سختی دور از روزگار گمشده در هیاهوی پول و سیاست در یکی از کوچه‌های تنگ و باریک این کلاشهر بی‌در و پیکر روز را به شب می‌رساند و دروغ که حتی تابلویی در ورودی غار به کشف آنها اشاره کند. همه آنها مرده‌اند و فقط او مانده و تا چند سال دیگر که او هم برونه، انگار که هیچ گاه حضور نداشته‌اند.

اما نوشته‌های فریدون اسماعیل‌زاده از چگونگی کشف غار علیصدر، ما اولین بار در سال ۱۳۳۹ بود که کاملاً اتفاقی پس از گردش در غار سراب که در همان نزدیکی بود این غار را کشف کردیم. در این تاریخ مرحومان حسن ابریشمی، کاظم سلاخی و سیدرحیم حسینی همراه ما بودند. دهکده علیصدر در ۱۵کیلومتری گل تپه بر سر راه همدان – بیجار است. غار علیصدر در سمت جنوب این دهکده و در دل تپه‌ای منفرد از تپه‌های آن دو غار که اولی را اهالی منطقه لیشیق غار– غار روشن – و دومی را قرن قولوق غار – غار تاریک – می‌نامند وجود داشت. فاصله دهانه دو غار حدود ۴۰۰ متر بود. غار سراب در جنوب دهکده سراب و ۶ کیلومتری غرب علیصدر قرار داشت. با اینکه کوهنوردان همدان علاقه شدیدی به گذشتن از دریاچه غار علیصدر و رسیدن به انتهای آن داشتند لیکن به علت تقدیمی که برای غار سراب از جهت فنی، سرسختی و زیبایی قاتل بودند، همواره بعد از اجرای یک برنامه طولیل‌العت در غار سراب و ناامیدی از رسیدن به انتهای شعبات اصلی آن رهسپار علیصدر شده، گردش مختصری در قسمت خشکی آن می‌کردند و برمی‌گشتند. پس از شنیدن شایعه‌های متفاوت درباره این غار و صحبت‌های مردم که این غار انتها ندارد در سال ۱۳۴۶ تصمیم گرفته شد برنامه‌ریزی کاملی برای شناسایی غار انجام دهیم. با تعدادی از دوستان به طرف غار حرکت کردیم تا چند برنامه اجرا کنیم. روش کار این بود که شش تیوب سواری با چهار تیوب کامیون برای هر کدام از قایق‌ها آماده کردیم. آنها را در داخل غار به وسیله تلمبه باد کردیم. بعد سه یا چهار چوب ۱/۵ متری را که از قبل آماده شده بود به وسیله تخته به هم وصل کردیم. این طوری یک قایق درست می‌شد که با آن به گردش در غار می‌پرداختیم. قایق‌ها به وسیله پاروهای معمولی حرکت می‌کردند. معمولاً یک روز صرف ساخت قایق‌ها می‌شد و دو روز صرف گردش. البته ابتدا قایق‌ها پهن بود و از راهروها یا کوچه‌های تنگ غار رد نمی‌شد. بعداً در روش درست کردن قایق‌ها اصلاحات بیشتری انجام شد به این ترتیب که دو تیوب تراکتور را باد می‌کردیم و به تخته‌ها می‌بستم. ابتکار هم‌تر را عربعلی ششروه که الان نقاش معروفی است انجام داد که دو بشکه را به تخته‌ها بست و به این ترتیب یک قایق تندرو درست کرد. روی قایق‌ها معمولاً دو نفر می‌نستت، یکی جلو یکی عقب. فقط قایق پیشرو سه سرنشین داشت که یک یک دکم که در عقب داشت. معمولاً جلوی قایق چراغ توری نفتی و در وسط یک فانوس می‌گذاشتیم. هنگام حرکت فکر می‌کردیم هر لحظه ممکن است سقف یا دیوارها فرو بریزد و ما در ظلمت مطلق فرو برویم. وجود پوسیدگی دیوارهای غار که با غریت پارو مقداری از آن فرو می‌ریخت به این تصور ما دامن می‌زد. یک روز قسمتی از غار را دیدیم که محوطه نسبتاً وسیعی بود و چند قسمت از سقف آن فرو ریخته بود و تشکیل مخروط‌های عظیمی را می‌داد که حدود ۲۰ متر ارتفاع داشت. این مخروط‌ها بر اثر تابش نور چراغ توری‌ها چون غول‌هایی خاموش به نظر می‌رسیدند. علاوه بر ترسی مبهم شگفتی از زیبایی‌های غریب غار ما را مسحور می‌کرد. سرعت ما در این سفرها بسیار کم بود اما بالاخره موفق شدیم اکثر جاهای غار را ببینیم. اما نتایج تحقیقاتی سفر ما چنین بود.

۱- تمام شعبات اصلی غار در دو جهت شمالی جنوبی و جنوب شرقی است و سایر شعبات بن‌بست است یا بعد از طی مسافتی به شعبات فوق می‌پیوندد.

۲- طول غار با احتساب پیچ و خجهای شعبه اصلی اندکی کمتر از ۱۰۰۰ متر است



و اگر طول تمام شعبات اصلی و فرعی را با هم جمع کنیم حدود دو کیلومتری شود.

۳- این غار هیچ منبع زاینده‌ای ندارد و آب آن از جای مشخصی خارج نمی‌شود.

۴- غار تاریک در دل تپه‌ای است منفرد که به وسیله دو گرندۀ از بسیار تپه‌ها کاملاً جداسـت. به همین دلیل امکان اینکه آبی از درون تپه‌های دیگری داخل این غار شود، نیست. ۵- در سال ۱۳۷۰ توسط کوهنوردان کلوب سینما نقشه‌ای تهیه شد که ترسیم آن مدت یک ماه طول کشید. با تهیه این نقشه به کلیه ذهنیاتی که در مورد طول و عرض جغرافیایی غار وجود داشت پاسخ داده شد. کلیه شعبات اصلی و فرعی به یکدیگر مرتبط هستند و هیچ‌گونه دلیلی بر احتمال این غار به غار سراب وجود ندارد. شکل غار به صورت عصابت و انتهای آن قندیلی بزرگ است. قبل از تهیه نقشه تصور می‌شد از منطقه قندیل بزرگ شعبات دیگری وجود دارد که عبور از آنها غیرممکن است اما پس از تهیه نقشه مشخص شد کلیه آب‌ها به یکدیگر ارتباط داشته و با قایق قابل عبور است.

منبع: میراث خبر

سفرنامه

روایت ناصرالدین شاه از سفر به همدان

روز یکشنبه سیزدهم رجب عبد‌ملارک جناب‌امیر‌المومنین اسدالله الغالب صلوات‌الله علیه و آله بود. امروز باید به شهر همدان برویم. سه فرسنگ راه بود. صبح توی رختخواب بودم. ببری‌خان از سرما آمد توی بغل ما خوابید. خیلی خوابید… بچه‌های‌اش را هم آوردند. بعد برخاستم. زیاد سرد بود. رفته حمام رخت پوشیدم. آدمیم سوار اسب شدیم. امروز کل غلام و سایر پیشخدمت‌ها و همه فراش‌ها، شاطر و… لباس خوب پوشیده‌اند. بسیار بسیار باشکوه. محمدهلی‌خان چماق مرصع، میرزااحمدخان تفنگ براق مرصع برداشته بودند. خدایه سواره همه‌جا رانندیم. با وزیر، حسام‌السلطنه، مجدالدوله، دبیر‌الملک، معیر و… صحبت‌کنان رفتم. مجدالدوله به هدایتش نرفت.

آدمیم به قریه و باغ ششورین. جمعیت زیادی بود. از رعایا و زن زیاد و مرد. توی ده شورین حسنعلی‌خان گروسی را دیدم. چند روز بود که از گروس آمده بود. شورین بود است. رفتم باغ بالای سردر در ناهار خوردم. باغ بزرگ خوبی است. وقتی که ۱۲ سال قبل از این… سلطانیه و آذربایجان و… می‌رفتم در شورین منزل کرده بودیم. آن وقت‌ها به خاطر‌م آمد پیشخدمت‌ها همه سرداری مقتول‌دوزی پوشیده بودند. حاجی‌میرزاعلی مقدس پیدا شد. می‌گفت: همه جا عقب اردو بودم. قدری به حاجی خندیدیم. بعد سرداری الماس پوشیده، جقه گذاشته شد. پیاده، از باغ خیلی راه رفتم. تا از دری آقا وسط باغ باز کرده بودند، سوار شدیم.

با خسرو میرزای کور صحبت‌کنان پیاده در باغ می‌رفتم. ریش خسرومیرزا بعینها سب‌رنگ سنجایی شده است.محمدمهدی میرزا پسرر موبالدوله و… آمده بودند. خلاصه سوار شده رانندیم همه جا با معیرالملاک یحیی‌خان، صحبت می‌کردیم. مستقیلین زیادی آمده بودند. همدان خیلی جمعیت دارد. بعضی کلابلندها دیده می‌شد‌اند. خیلی عجیب بودند. بسیار خنده داشتند. همه جا با ازحام و مردم زیاد. همین طور آدمیم تا رسیدیم به بالای تپه‌ای[که قزل ارسلان از قدیم آنجا ساخته بوده است. مشرف است به کل شهر همدان. آنجا ایستادیم. تماشا کردیم. خیلی تپه باصفایی است. جای دوربین است. در راه سالار واولاد شیخ علی میرزا و اولاد جهنگیرمیرزا محمود میرزا و… علما و… از باغ شورین که درآمدیم شاطریاشای بزرگ، میرزااحمدخان تفنگ براق مرصع برداشته بودند. بغداد، از تهران آمده بودند. ملاحظه شدند. خلاصه بعد از اندکی مکث در روی تپه رفتم. از کنار شهر همه جا تا رسیدیم. به قلعه محمدهلی میرزای مرحوم، که حالا خراب است. چادرهای حرم توی حلقه است. مردم متفرقه افتاده‌اند، دریاچه بزرگی جلو چادرما است اما آب نمی‌آید. گفته‌ایم آب بیندازند. اما حوض پر آب است.

بی‌نوشت:

۱- اصل: بچه‌های

گشت و گذار

بخشی از سفرنامه اوژن فلاندن از سفر به همدان

در همدان باید به حفاری و تحقیق پردازیم

پس مدت مدیدی باید در این شهر اقامت کنیم

چه یادبودهایی از اکباتان و زمان قدیم دارد.

هنگامی که به شهر وارد شدیم بیگلر‌بگی پیشواز آمد، پس از اینکه تشریفات و احترامات اولیه را به جا آورد دستور داد یکی از بهترین منازل ارمنی‌نشین را جهت مس‌ا تهیه نمایند- منزلی که برای ما ترتیب دادند پاکیزه، راحت و مهماندار بسیار خوش‌مشرب و از ما کاملاً پذیرایی کرد.

شش هفته تمام در همدان ماندیم. نقطه به نقطه‌اش را در درون و بیرون کاوش کرده تا آثاری از پایتخت قدیمی ما‌دها به دست آوردیم- پیش از اینکه از درون حصارهای شهر به بیرون رویم در کلیه ناحیه به جست‌وجو و کاوش پرداختیم. چیز قابل توجه به ویژه اشیایی که از نظر معماری اهمیت دارند، ندارد. همدان نه مسجد، نه مدرسه، نه کاروانسرا و نه بازاری که جلب دقت باشد ندارد- شهر کوچک کم‌وسعت و در حدود چهار پنج هزار نفر جمعیت دارد- عیسویان این شهر کم و بیشتر مردمش یهودی هستند. از آن رودخانه تند سیلی می‌گذرد که از دامنه‌های کوه الوند می‌آید و فاصله به فاصله آبشاری تشکیل می‌دهد. بسر روی این رود چندین پل بنا شده که حالت زیبا و فرحناکی به شهر می‌دهند.همچنین فرش‌های نمدی ضخیم می‌بافند که خیلی محکم و نقشه‌هایی از الوان مختلف در آنها درست می‌کنند. این فرش‌ها که دراز و باریک به علاوه نرم‌اند برای فرش منازل، تزئین دیوار، به کار می‌روند.

همدان تجارت مخصوص به خود دارد که ۱- تمام سنگ‌های متجزند. اشیای قیمتی در آن مانند همه شهرهای ایران به ندرت یافت می‌شود. تنها یهودی‌ها مقداری زیاد سکه‌های یونانی و ساسانی می‌سازند و بیشتر سکه‌ها صورت اسکندر و اردشیر را دارد- شاید از حفاری و کاوشی که سابقاً در صفحه همدان شده سکه‌هایی به این صورت‌ها پیدا گشته. یهودی‌ها هم که تمام کوشش‌شان در استفاده و نفع شخصی است به ویژه در تجارت و معامله سکه‌ها سر رشته کامل دارند بدین عمل مبادرت کرده از روی سکه‌های اصلی سکه‌های بدلی ساخته‌اند. به من گفتند بیشتر این سکه‌ها را دوستداران اروپایی‌اش می‌خرند- من یکی از سکه‌ها را خریده وزن و مقدار، ارزش و قیمتش را به دست آوردم.

مقبره‌ای در همدان از عالم شهیر علی‌ابن سینا هست که ما او را اویسن فیلسوف ایران قرن دهم می‌دانیم. از خود کتب زیاد از جمله چند جلد در طب حکمت و الهیات باقی گذاشته و بیشتر کتاب‌های این عالم شهریر ترجمه شده و تا اواخر قرن هفدهم در ایتالیا و فرانسه از روی کتب وی درس داده می‌شد. اراضی همدان همه سبز و از جویبارهای بی‌شمار مشروب می‌گردد در نتیجه خاک همدان یکی از حاصلخیزترین نقاط ایران است، سطح‌اش یکسان و هیچ پستی و بلندی که از آن بشود درباره پایتخت مدها «اکباتان» حدسی زد نمی‌توان یافت. معهذا به نوشته و روایات اغلب سیاحان که نوشته و گفته‌اند همدان آثار قدیمی ندارد، نباید اعتماد کرد و در ظاهر با وجود اشتهار کامل نمی‌توان گفت در قدیم شهری مهم بوده ولی با کاوش و جست‌وجو بی به اهمیت و قدیمی‌اش برده می‌شود. از شهر جدید نمی‌شود روایت تاریخی هروودت را به دست آورد که می‌گوید: شهر هفت دیوار می‌داشت که یکی داخل دیگری و دیوکس پایتخت خود قرار داد. اگر قدم به قدم از شیب‌های کوه الوند که به سمت همدان می‌آید یا در تپه‌های مجاورش کاوشاتی بشود به وجود حصارهایش پی برده خواهد شد.

در شهر جدید به استثنای چند تکه ستون که در سمت جنوب شهر یافت می‌شود آثاری دیگر از قدیم ندارد اما در دیوارهای خانه‌ها، آستانه درها قطعاتی قدیمی یافت می‌گردد که آب‌های سیلی رودخانه، سنگ‌های ساختمان‌های قدیمی‌اش را تکه‌تکه کرده و اکنون در همدان هیچ بنا یا ویرانه از قبل از زمان هجرت محمدی دیده نمی‌شود. آنچه مورد جست‌وجو قرار می‌گیرد سمت جنوب یا برون شهر است. اگر از این سمت پیش رویم به چندین تپه می‌رسیم که ناهموار می‌رسانند بیشتر بنا‌ها در این محل بوده. در این زمین ساختمان‌هایی قدیمی با سنگ‌های مختلف وجود داشته. این بنا‌ها قابل طبقه‌بندی و هیچ یک با دیگری ساختمانش یکی در نمی‌آید چه از مقایسه با هم این مدعا ثابت می‌گردد و لیکن همگی را باید از زمان ما‌دها دانست.

در جنوب شرقی و به دو کیلومتری شهر به وسط سنگ‌های بزرگی که آسیب کلی دیده‌اند زمینی یافت می‌شود که بقایای بناهای بی‌شماری در آن پنهان است. در حقیقت به میان چند تکه سنگ خرابی بزرگ حجم دو تنه ستون یک قطر موجود است؛ یکی روی پایه ستون و دیگری واژگون و قسمتی از آن در

سال پنجم ■ شماره ۱۰۵۴ ■ یکشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۸۹

همدان؛ این خاک دامنگیر



سنگی بلندی ایستاده. چشم به راه. شاید چشم به یکی از دروازه‌های همدان دارد. چه می‌خواهی مرد؟ مخفی‌ترین کتابش را هم گرفته زیر بغل . چنان محکم که هیچ امیدی نیست انگار، تا ابد حتی، که به آخرین رازهای زندگی‌اش پی ببریم. در آن کتاب چه داری؟ زنده همیشه بیدارِ شهر است فیلسوف.

آرامگاه،نه‌تنها باتوق هرروزه همدانی‌هاست، بلکه ملجاء هر غریبه‌ای است که با به این شهر گذاشته و خاکش دامنش را گرفته. رهایی از همدان ساده نیست. اگر باور نداری‌د وارد محوطه آرامگاه شوید. همان جلوی ورودی موزه سنگ قبری را خواهید دید با حفاظ شیشه‌ای‌اش. قزوینی است اما برادر خونی مشروطه‌خواهان است «عارف‌نجان» تا نفس داشت در باغ‌های «دره مرادیبک» دره مرادیبک» نفس کشید . درخت‌های مرادیبک هنوز نشئه نفس‌های حق عارف‌اند در روزهای آخر عمرش. نفسش که دیگر بالا نیامد، دست به دامن طیبب شد عارف. کناربوعلی آمده‌است.

هوای قامت بالا بالای سسروقدی/ فتاد بر سر و

چون سایه سایبان من است

از عارف بپرسید که خاک همدان چه خاصیتی

دارد. خاک همدان دامنگیر است.

خاک «همدان» دامنگیر است. پاتوقی‌های

«عباس‌آباد» می‌دانند. از غذاخوری «عل‌اشکنة» که بالاتر بروی و بیبچی سمت «الوند»، خنکی باغ‌ها که از شیب تپه بلغزد و بنشیند روی پوست، دیگر هوای همدان برت می‌دارد:مجا‌بت می‌کند که اینجا جای ماندن است. کنار جاده روی سنگ‌چین‌های رودخانه بنشین. آبی به صورت بز. کفش‌های رفتنت را خوهی کند. پای برهنه را ر‌ها کن در غغلل زنجیره رود. غل و زنجیرت خواهد کرد. همدانی‌ها همه پاسبِ این زنجیره بلوند که الوند از ش‌ره‌شه چشمه‌های کوچک و بزرگش بافته و از این سر شهر تا آن سرش انداخته. الوند به زنجیر کشیده این شهر را.

بیجا نیست که مردمش همیشه رو به الوند دارند. تراکم جمعیت در ضلع‌های شمالی و شرقی و غربی است. شهرک‌های حاشیه، مناطق مسکونی، پایین‌شهری‌ها و الوند آن بالاست. در جنوب است ولی بالاست، از همه بالاتر. و صبح‌ها که باید رفت سر کار، بیشترین‌ه رو به الوند می‌روند. این است که مدام جلوی چشمش است. از «چراغ قرمز» که می‌روی سمت «باباطاهر»، همه میدان دیدنت را احاطه کرده. می‌خواهی نبینی‌اش؛ یک روز مسیرت را کج می‌کنی. از خیابان «گازران» می‌روی. پهلوی راست

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به‌معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی‌است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

لطفات و خنکی ایـن دره در آخر ژوئن با گرمای دشت مخالفت کامل می‌کند. در عوض هوای آتشین و بادهای سوزان صحرای گرم که مرگ را به پیش چشم مجسم می‌دارند نسیم خنک و هوای بهاری در این محل به موجودات و نباتات روح تازه می‌دهد. هر چه بالاتر رویم سبزه‌های خندان جای خود را با صخره‌های وحشی و زمخت که برف دائمی رویشان را پوشانده، عوض می‌کنند. صخره‌ها به هم نزدیک و به زحمت راه باریکی جهت عبور آب تشکیل شده و در موقع برخورد و گذر آب زمزمه و خروشی از نهادشان بلند می‌گردد.

چند روز پیش به در وقتی که به‌سه همدان می‌آمدیم سنگی را به من نشان دادند که بر رویش فرورفتگی به شکل نعل اسب وجود داشت و آن را نیز به مرکب علی نسبت می‌دادند. پس از هزاران مشقات به صفحه کم‌وسعت اما راحت رسیدیم که در پنج کیلومتری درون تنگه قرار گرفته. در این محل به پای آبشاری سریع که یکی داخل دیگری و خرابی هرمی‌شکل سرازیر می‌گردد بر روی وجه جنوبی‌اش چندین صفحه با عبارت دیده می‌شود. پس از اینکه با هزاران زحمت انسان به آنجا می‌رسد تنها باید از خود پرسش کند برای چه، به چه منظور پیشینیان در این مکان عباراتی نوشته‌اند. در این نشیمن‌گاه وحشتناک و وحشی هیچ علامت دیگری از قاضیخانه وحشی یافته نمی‌شود. در این محل جز حیوانات وحشی و طیور طعمه‌خوار کسی دیگر را قادر رفت و آمد نیست. اگر در قدیم یا جدید بنایی هم می‌داشته برای لطافت و تفرج ساخته بوده‌اند. بدون شک ایـن عبارات به امر پادشاهی که به این مکان آمده حک گردیده و خواسته است یادبودی از گردش‌های خود به روزگار باقی گذارد. ایرانیان ایـن کتیبه را گنج‌نامه می‌نامند و می‌گویند در آن نوشته شده که در چه محلی پول خاک است. حرف‌های آنها بی‌اساس والا منظور کلی ما یافتن چنین امکته‌ای است. چند ساعت در آنجا به سر برده قسمتی از عبارت را کپیـه کردیم. برای قیـه‌اش لازم شد فردا از دیواره به آنجا مراجعت کنیم. فردا آنچه را که جهت چاپ استامپ لازم داشتیم با خود بردیم. امید ما این است که از کتیبه‌های خود سوادی صحیح به دست آوریم. اما چون ممکن نمی‌گشت حاضر شدیم فقط این عبارات قدیم را کپیـه برداریم.

حل جدول شماره ۱۰۲۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

خبرگزاری کار ایران ۱۴- جویبار- کوبنده خانگی- زعفران ۱۵- فرضیه علمی اینشتین- اثری از گوته.

عمودی

۱- پایتخت ایسلند- خجسته، فرخنده
۲- آواز- ترمیم فرش پوسیده- نفس سرنش‌کننده
۳- یکسوکننده الکتریکی- ضمیر عربی- دوره تجدید حیات اروپا
۴- نقل قول کردن- مدافع میهن- غارت
۵- کاسه زانو- سرخرگ- چهارم تبرز
۶- صفحات معروف اینترنتی- زمینی پست که از رطوبت اشباع شده- حاکم و مرزبان
۷- قسمتی از یک کاشان- از نسبت‌های مثلثاتی.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴